

# مهندسی شوراهای عالی، نخستین گام در مهندسی فرهنگی کشور

دکتر مهدی ناظمی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۸۷/۲/۲ - تاریخ تصویب ۸۷/۳/۱۵)

## چکیده

شوراهای عالی متعددی در رده مدیریت راهبردی کشور در طول سالیان مختلف بدون نقشه قبلی ایجاد شدند. تأسیس هر کدام از این شوراهای در مقطع زمانی خاصی و متناسب با شرایط و مقتضیات معینی ممکن است درست بوده و موجب حل مسائل و مشکلاتی شده باشند اما عملکرد مجموعه این شوراهای در انتهای دهه سوم انقلاب اسلامی به گونه‌ای ارزیابی شد که ضرورت تحول و مهندسی مجدد آنها اجتناب‌ناپذیر به نظر رسید.

هزینه‌های بالای تصمیم‌گیری در رده راهبردی هر سازمان و کشوری ایجاب می‌کند که ساختاری مناسب برای این رده طراحی شود. طراحی چنین ساختاری باید مبتنی بر مبانی و اصولی که سازگار با فرهنگ و ارزش‌های آن سازمان و جامعه است، صورت پذیرد. مهندسی شوراهای عالی تصمیم‌گیری کشور و تعیین اینکه ترکیب و تعداد شوراهای و تعامل و ارتباط آنها چگونه باشد، موضوعی است که در صدر موضوعات مهندسی فرهنگی کشور قرار می‌گیرد.

اگر اشکال اساسی در کارکرد و عملکرد شوراهای عالی متعدد تصمیم‌گیری در رده راهبردی گذشته در کشور، عدم وجود مبانی و اصول روشن و نقشه از قبل ترسیم شده در تأسیس آنها بود، همین اشکال نیز در ادغام شوراهای و وضعیت جدید به نظر می‌رسد.

مهندسی فرهنگی نظام مدیریت راهبردی کشور مبتنی بر مبانی و اصول برگرفته از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی می‌تواند شرط لازم اثربخشی تلاش فراوان مدیران رده‌عالی کشور محسوب گردد.

**واژگان کلیدی:** مهندسی فرهنگی کشور، مدیریت فرهنگی کشور، تحول، ساماندهی، ساختار، شورای عالی

### مقدمه

روزنامه همشهری در صفحه دوم خود مورخ ۱۳۸۶/۷/۱۹ چنین خبری را اعلام کرده است: «هیأت دولت که این روزها سرگرم بررسی ادغام و انحلال برخی شوراهای موازی و تشریفاتی است، تشکیل شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر را تصویب کرد. به گزارش مهر، حضور نماینده رهبر معظم انقلاب اسلامی و سران سه قوه از ویژگی‌های این شورا است که ضابطه‌مند شدن اجرای اصل هشتم قانون اساسی از اهداف تشکیل آن عنوان می‌شود.»

این خبر، فارغ از کامل یا ناقص بودن آن و اهمیت و ضرورت تشکیل یا عدم تشکیل شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر و صرفاً معطوف به بخش اول آن که موضوع ادغام و انحلال و سپس تشکیل شوراها است، موجب می‌شود که موضوع اهمیت و ضرورت مهندسی مجدد شوراهای عالی کشور به بحث و بررسی گذاشته شود و بر این نکته تأکید گردد که برعهده صاحب‌نظران کشور است تا نسبت به چنین موضوعاتی توجه و تأمل بیشتر داشته و از هیأت محترم دولت و مسئولین بزرگوار تصمیم‌گیر کشور نیز بنا به سنت اصولگرایی، درخواست شود که همواره برای اینکه تصمیم‌گیری‌هایشان از انسجام و قوت و دوام و اثربخشی بیشتری برخوردار باشد، بر خود فرض بدانند که نتایج بررسی‌های کارشناسی تصمیم‌های خود را در اختیار عموم قرار دهند؛ بدین ترتیب از نظرات کارشناسی عالمان و اندیشمندان جامعه برخوردار شده و تصمیمات آنها که با هزینه‌های سنگینی برای مردم و کشور همراه است، دارای پشتوانه کافی بوده و منجر به نتایج مناسب می‌گردد.

«کسانی هستند که با شما همدلند و از جنس شمایند و حقیقتاً هم نخبه فکری و دارای نظر صائب هستند. اصلاً نباید خود را از تعامل با این‌ها و استفاده از وجود این‌ها محروم کرد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵، ۵۴)

## ادغام بزرگ شوراها

رسانه‌ها در ماه‌های فصل دوم سال ۱۳۸۶، خبر ادغام شوراها را مطرح کردند و به سرعت اخبار داغ دیگری جای آن را گرفت. در مقدمه این خبر داغ، مطرح می‌شد که اصلاح ساختار نظام تصمیم‌گیری کشور شتاب گرفته است و ادغام شوراها، مقدمه‌ای بر این اصلاح است (سیاح، ۱۳۸۶). بدیهی است هر حرکت شتاب‌داری در صورتی به خوبی به مقصد می‌رسد که دارای نقشه و جهت و مسیر و بستر مناسبی باشد. قطعاً تحول و اصلاح در ساختارهای کشور و یا به معنای دیگر مهندسی کشور اولاً باید براساس رویکردی سازگار با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انسانی باشد. یعنی این تحول و اصلاح و مهندسی کشور باید با رویکرد فرهنگی صورت پذیرد. ثانیاً قبل از اقدام، نسبت به انجام بررسی‌های جامع کارشناسی و علمی اقدام شده و نقشه تحول و اصلاح به خوبی ترسیم گردد. همانگونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: نقشه مهندسی فرهنگی کشور باید ترسیم شود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴) تا مشخص گردد که هر اقدام اصلاحی و هر طرح تحولی در چه زمانی و چگونه و با کدام اولویت باید به دست اجرا گذاشته شود.

در صورتی که تحول و اصلاحات ساختاری در یک سازمان و کشور بدون نقشه‌ای جامع صورت پذیرد، احتمال و امکان اینکه حاصل آن رسیدن به وضعیت بهتری باشد، قطعی نیست. بنابراین باید نخست به این سؤال پاسخ داد که آیا نقشه مهندسی فرهنگی کشور یا نقشه تحول و نوسازی و بازسازی در ساختارهای کشور تهیه شده است؟ اگر این نقشه تهیه شده است، آیا چگونگی تحول و اصلاح در ساختار نظام تصمیم‌گیری کشور مشخص شده است؟

بدیهی است هرگونه تحول و اصلاح ساختاری به خصوص در رابطه با ساختار عالی‌ترین سطح کشور باید براساس مبانی و اصول و منطق و چارچوب روشن و قابل استدلال باشد. نمی‌توان چنین تحولاتی که در حقیقت انقلاب‌های کوچک درون کشور می‌باشد را امروز با نظر جمعی از مدیران و فردا با نظر جمعی از مدیران دیگر رقم زد (آشوری، ۱۳۶۶: ۴۷).

از رئیس جمهور اصولگرا و انقلابی و تحول‌خواه و با شهامت باید تقدیر و تشکر نمود که حل چنین ضعف‌ها و مشکلات ساختاری کشور را در دستور کار خود قرار می‌دهند. ایشان وظیفه ریاست بر شورای عالی انقلاب فرهنگی را نیز بر عهده دارند و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از سال ۱۳۸۱ این شورا را مرکز مهندسی فرهنگی کشور اعلام نموده و ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور را از این شورا مطالبه نموده‌اند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۹/۲۶)

بنابراین ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور و نقشه تحول و نوسازی، بازسازی ساختارها و نظام‌های داخلی کشور از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار بوده و وظیفه‌ای استراتژیک و راهبردی، در درجه اول بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس جمهور، به عنوان رییس این شورا و در درجه بعد به عهده هیئت دولت و رئیس محترم هیئت دولت، به عنوان جایگاهی که بیشترین نقش اجرایی برای تحقق اهداف چشم‌انداز را برعهده دارد، می‌باشد (ناظمی، ۱۳۸۶: ۱۳).

در ضرورت و اهمیت مهندسی مجدد شوراهای عالی کشور و در پیش گرفتن سیاست ادغام به منظور ساماندهی بهتر آنها، به مواردی اشاره شده است:

- تعدد شوراها، کمیته‌ها و هیأت‌های عالی متولی سیاستگذاری برای امور فرباخشی کشور در سالیان متمادی، تداخل گسترده وظایف این شوراها را در سطح کشور پدید آورده بود.
- جلسات برخی از این شوراهای سیاستگذار به واسطه عدم توجه تشکیل جلسات آنها، مدت‌هاست که دیگر برگزار نمی‌شوند.
- صرف امکانات وسیع به واسطه استقرار دبیرخانه و فضای تشکیل جلسات، بسیاری از این شوراها به مثابه بنگاه‌هایی هزینه‌بر و زائد بر بدنه دولت سنگینی می‌کرد.
- در اکثر جلسات این گونه شوراها به جای مقام عالی موظف به حضور، معاون اداری مالی و حداکثر معاون طرح و برنامه دستگاه‌ها حضور می‌یافتند که این امر بر تصمیمات و نظارت بر امور فرباخشی تأثیر منفی بر جای می‌گذاشت.
- همزمانی جلسات برخی از این شوراها موجب می‌شد که گاه یک وزیر، موظف به شرکت در دو یا چند جلسه در یک روز و یک ساعت می‌شد.

نکات و سؤالات قابل توجه و تأمل برای هر صاحب‌نظری عبارت است از:

محصول تلاش علمی و کارشناسی دولت برای رسیدن به چنین تصمیمی کدام است؟ آیا قابل عرضه می‌باشد و یا عرضه شده است؟ صاحب‌نظران و اندیشمندان مدیریت استراتژیک و اساتید مهندسی سیستم و آشنایان با ادبیات این حوزه دانشی، مستندات علمی تصمیم گرفته شده را چگونه ارزیابی می‌نمایند؟ آیا راهبرد ادغام شوراها، راهبردی اثربخش می‌باشد؟ آیا اعمال همین راهبرد با فرض صحت آن، در چارچوب یک راهبرد متفن و مستدل می‌باشد؟

اینها سؤالات اساسی است که سعی شده در این مقاله در حد امکان به آنها پاسخ داده شود. گرچه

باید از شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرکز مهندسی فرهنگی کشور انتظار داشت که چارچوب راهنما برای یافتن پاسخ این سؤالات را به جامعه عرضه نماید.

### ادغام شوراهای چرا؟ و چگونه؟

بخش زیادی از دستگاه‌ها و ساز و کارهای کشور، وارداتی و تقلیدی و کهنه بوده و سازگار با فرهنگ و ارزش‌های غربی، در گذشته، طراحی شده‌اند. ساختارهای اینچینی، قابلیت تحقق اهداف و آرمان‌های جمهوری اسلامی را ندارند و نمی‌توان برای رسیدن به چشم‌انداز کشور به آنها اتکا نمود (ناظمی، ۱۳۷۷: ۵).

امروز دیگر ساختارهای ایستا و انعطاف‌ناپذیر و مکانیکی و بوروکراتیک در مدیریت دولتی نوین مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند و پویایی و انعطاف‌پذیری و خلاقیت و نوآوری و ارگانیک و انسانی بودن ساختارها به عنوان مزیت نسبی دولت‌ها در تأمین اهداف جامعه، مورد تأکید می‌باشد (هیوز، ۱۳۸۱: ۱۳).

نگرش اسلامی و رویکرد انقلاب اسلامی، بر ایجاد تحول و نوسازی و بازسازی همه دستگاه‌ها و ساز و کارها و مهندسی مجدد ساختارها استوار بوده و استمرار انقلاب اسلامی را در گرو مهندسی فرهنگی کشور می‌داند.

### مراحل پنجگانه ایجاد تمدن و دنیای اسلامی عبارتند از:

ایجاد انقلاب اسلامی، تأسیس جمهوری اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، ایجاد کشور اسلامی، ایجاد دنیای اسلامی (مقام معظم رهبری، در منشور نظریه دولت اسلامی، ۱۳۸۵: ۱۴) هر یک از این مراحل دارای شرایط و ویژگی‌هایی است. چهارمین مرحله، زمانی محقق می‌شود که علاوه بر اینکه همه کارگزاران کشور اعم از مسئولین قوه مجریه و مقننه و قضائیه و نهادهای انقلاب اسلامی، نصاب لازم برای عمل به آموزه‌های اسلام را دارا شدند، توان و آمادگی لازم برای ایجاد تحول و تغییر و نوسازی و بازسازی در ساختارهای موجود کشور و جهت‌دهی آنها به سمت اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی را داشته باشند تا نظام‌های داخلی اعم از نظام اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و ساختارهای شکل دهنده آنها را با نظام جمهوری اسلامی هم‌قبله شوند (ناظمی، ۱۳۸۶: ۷).

با گذشت سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز بعضی از نظام‌های داخلی و ساختارهای

شکل گرفته براساس فرهنگ و ارزش‌های عمدتاً غربی، قبله‌ای مقابل قبله و جهت و هدف نظام جمهوری اسلامی دارند. وجود مدیران متدین و متعهد و با انگیزه، از اینکه جامعه به اهداف اسلامی خود برسد، کفایت نمی‌کند. بلکه در ساختارها و نظام‌های داخلی موجود باید تحول صورت گرفته، مهندسی مجدد با رویکرد فرهنگی صورت پذیرد.

مقام معظم رهبری قبل از تصویب چشم‌انداز بیست ساله کشور در سال ۱۳۸۲، بر ضرورت و اهمیت مهندسی فرهنگی کشور در سال ۱۳۸۱ تأکید فرمودند و شورای عالی انقلاب فرهنگی را مرکز مهندسی فرهنگی کشور دانستند. از رؤسای سه قوه و مدیران و صاحب‌نظران عضو این شورا به صورت مؤکد در سالهای ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ خواستند که به این امر حیاتی بپردازند. در سال ۱۳۸۶ به صورت صریح و روشن در خصوص نظام آموزش و پرورش و ضرورت تحول در آن فرمودند که مشکل اصلی اینکه خروجی این نظام علیرغم وجود مدیران و معلمین متدین و تلاش ایثارگرانه آنها، افرادی هستند که دارای ویژگی‌های سازگار با دین و فرهنگ و ارزشهای اسلامی نمی‌باشد، در آن است که این نظام، ساخته و پرداخته فرهنگ ضد دینی و غربی و وارداتی و تقلیدی و کهنه و فرسوده می‌باشد. اقداماتی هم که صورت گرفته و می‌گیرد، موجب تحول در این نظام را فراهم نکرده است و نمی‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۵).

مهندسی فرهنگی نظام آموزش و پرورش، ایجاد تحول و نوسازی و بازسازی اجزاء آن و نظم‌دهی و منسجم‌سازی ساختار و کارکرد آن و جهت‌دهی و قبله‌سازی آن به سوی کعبه اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در ساختن انسان‌های متدین و متخصص می‌باشد. این نظام باید انسان ساز و خدا محور باشد.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) دهه چهارم انقلاب اسلامی را دارای شرایط لازم برای ایجاد کشور اسلامی با مهندسی فرهنگی کشور می‌داند. ایشان می‌فرمایند: «این وضع جدید که در کشور به وجود آمده است و تشکیل دولت و گرایشی که امروز در عموم مردم و در دولت مردان مشاهده می‌شود، این نوید را می‌تواند بدهد که اوضاع برای برگرداندن جهت‌گیری‌های غلط، اوضاع مساعدی است، نه به این معنا که همه چیز از پیش قابل حدس قطعی باشد، بلکه بسته به این است که ما چه کار بکنیم. لیکن زمینه، زمینه مساعدی است. چون شعارهایی مطرح شده که منطبق با مبانی انقلاب بوده و مردم به این شعارها پاسخ داده‌اند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳/۱۰/۱۳۸۴).

## دولت نهم و تحول در ساختارها:

دولت نهم، با شعارهای تحول‌خواهی، عدالت‌گرایی و اصلاح‌طلبی اصولگرایانه مورد استقبال و تأیید اکثریت قابل توجهی از مردم قرار گرفت. این دولت برای توفیق در تأمین خواسته‌های مردم به موجب شعارهای مطرح شده باید دست به اصلاحات ساختاری بزند و در نظامات و ساز و کارهای موجود، تحول لازم را ایجاد نماید. منتهی ایجاد تحول و انجام اصلاحات، آن زمان به هدف منجر می‌شود که دارای مبانی و اصول روشن و متقن باشد و گزینه‌های تغییر در مقابل حاصل آن، ناچیز بوده و چه بسا، جامعه با پرداخت چنین هزینه‌هایی نسبت به اصل تحول و مهندسی مجدد ساختارها، بدگمان شده و وجود زمینه‌های مساعد کنونی به مقاومت در مقابل تحول بدل گردد.

## ضرورت وجود نقشه مهندسی فرهنگی کشور برای ایجاد تحول

همه اقدامات، به خصوص اقداماتی که دارای گسترش و عمق و حساسیت بیشتری است باید مبتنی بر مطالعه و بررسی و ترسیم نقشه‌ای دقیق و کامل باشد. ایجاد تحول و نوسازی و بازسازی کشور و ایجاد کشور اسلامی که استمرار انقلاب فرهنگی اسلامی محسوب می‌شود و کاری عظیم و گسترده است، قطعاً به وجود نقشه‌ای جامع نیازمند است. ترسیم این نقشه و تعیین راهکارهای اجرای آن بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی که ریاست آن به عهده رئیس جمهوری باشد، گذاشته شده است.

متأسفانه تا کنون تلاش متمرکزی برای ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور صورت نپذیرفته است و چنین نقشه‌ای به جامعه عرضه نگردیده است. در صورتی که نقشه مهندسی فرهنگی کشور وجود داشته باشد آنگاه اولویت ایجاد تحول در ساختارها و حتی استمرار آنها در دولت‌های بعدی و در طول هر یک از برنامه‌های پنجساله و مجموعه تحولات لازم در طول برنامه‌های توسعه تا رسیدن به چشم‌انداز در حوزه‌های هر یک از قوای سه‌گانه کشور و در هر یک از رده‌های راهبردی و میانی و عملیاتی کشور مشخص می‌گردد و می‌توان با آمادگی و هماهنگی بیشتر نسبت به ایجاد تحول و نوسازی و بازسازی دستگاه‌ها اقدام نمود و نتایج مورد انتظار را نیز به خوبی مورد ارزیابی قرار داد.

## ساماندهی و تحول در شوراهای عالی به عنوان اصلی ترین ساختارهای رده راهبردی کشور

دولت نهم در انجام اصلاحات ساختاری چندین اقدام بزرگ را انجام داده و در دست انجام دارد. بدیهی است در ایجاد تحول و مهندسی فرهنگی کشور به معنای ایجاد انسجام و نظم و جهت گیری و جهت یابی و نوسازی و بازسازی دستگاه‌های کشور اعم از دستگاه‌های فرهنگی و دستگاه‌های غیر فرهنگی، اولویت اهمیت و ضرورت با ساختارها و دستگاه‌های رده راهبردی کشور می‌باشد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی یکی از ساختارهای اصلی رده راهبردی کشور محسوب می‌شد. بنای این سازمان توسط گروه روشنفکران موج دوم تجدید (۱۳۴۰-۱۳۰۰) همزمان با روی کار آمدن خاندان پهلوی با رویکرد مهندسی اجتماعی و اندیشه تکنوکراتیک و تفکر دولت مدار<sup>۱</sup> گذاشته شد.

نخبگان اقتصادی این گروه، شامل مدیران و کارشناسان دستگاه‌های اقتصادی دولتی یا وابسته به دولت، نخست در دفتر اقتصادی سازمان برنامه گرد آمدند. سپس در قسمت‌های مختلف بانک مرکزی، شرکت نفت، بانک توسعه صنایع، مدیریت صنایع، بیمه‌ها و بانک‌ها پخش شدند و ماهیت گروه نوساز را در دوره پهلوی دوم شکل دادند (بهنام، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۰).

سازمان اداری و استخدامی و سازمان برنامه و بودجه و با ادغام آنها، سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصلی ترین نقش و جایگاه در مدیریت راهبردی کشور داشته است و با بیشترین اختیارات و کمترین مسئولیت در طول سالیان پس از انقلاب اسلامی با همان رویکرد حاکم قبل از انقلاب اسلامی عمل کرد.

اقدام دولت نهم در ایجاد تحول در این سازمان، اقدامی انقلابی محسوب می‌شود. معمولاً چنین اقداماتی با سر و صدا و چالش و تنش و مقاومت‌های فراوانی روبرو است. اما به موجب احساس ضرورت فراوان و عدم رضایت اکثر نخبگان و کارشناسان و مدیران کشور از کارکرد و عملکرد این سازمان، مرحله اول تحول به سرعت طی شد. مهم این است که ساختار نوینی که باید جایگزین ساختار کهنه منحل شده، گردد به خوبی و درستی طراحی و مهندسی شود. به خصوص



آنکه در این طراحی، رویکرد فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی حاکم باشد. اگر رویکرد اقتصادی حاکم بر سازمان قبلی بر ساختار نو هم حاکم شود نتیجه اثربخشی از این تغییر حاصل نخواهد شد.

تحول در ساختار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را می‌توان نخستین اقدام در مهندسی مجدد دولت و به عبارت دیگر مهندسی کشور، محسوب نمود. دومین اقدام که از درجه اهمیت بیشتری هم برخوردار می‌باشد، ایجاد تحول و مهندسی مجدد شوراهای عالی کشور است. امروز اصحاب رسانه و صاحب‌نظران و شخصیت‌های سیاسی و کارشناسان به بحث‌های گسترده پیرامون بعضی تصمیم‌ها و تدابیر دولت و کشور می‌پردازند و همواره از عدم انسجام و ناهماهنگی در تصمیمات و اقدامات اجرایی و برنامه‌ها و عدم همکاری دستگاه‌ها، اظهار شکوه و ناراحتی کرده و علت اصلی عدم موفقیت در کارها را متوجه این مشکل می‌سازند.

سؤال اصلی این است که علت این عدم انسجام و ناهماهنگی تصمیمات و مدیران و دستگاه‌ها در کجا است؟

وقتی که جایگاه‌های تصمیم‌گیری براساس نقشه‌ای جامع، طراحی و مهندسی نشده باشند، قاعده این خواهد بود که تصمیمات گرفته شده ناهماهنگ و غیرمنسجم باشند. هرچند مدیران و کارشناسان، متعهد و متدین باشند و تلاش زیادی هم به عمل آورند که وظیفه خود را به خوبی انجام دهند. تا زمانی که جایگاه‌های تصمیم‌گیری رده عالی کشور به سامان درستی دست نیابند، امکان ایجاد انسجام و جامعیت و همسویی در مجموعه تصمیمات کشور امکان پذیر نخواهد بود. اصلی‌ترین و نخستین اقدام در مهندسی فرهنگی کشور، مهندسی مجدد و ساماندهی ساختارهای رده مدیریت راهبردی کشور می‌باشد. برای اینکه مجموعه فعالیت‌ها و برنامه‌ها و سیاست‌ها و دستگاه‌های کشور براساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور مهندسی مجدد شده و مورد بازسازی و نوسازی قرار گیرند و تحول لازم، برای هم جهت شدن آنها با اهداف چشم‌انداز بیست ساله صورت پذیرد، در قدم اول باید مجموعه شوراهای واحدها و جایگاه‌هایی که در بالاترین رده کشور، مسئولیت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و سیاستگذاری را برعهده دارند از انسجام لازم برخوردار شده و به خوبی ساماندهی شوند تا بتوانند دارای مجموعه سیاست‌ها و تدابیر و تصمیمات منسجم و هماهنگ شوند.

مجموعه‌ای از شوراهای عالی که عملاً تحت ریاست رئیس قوه مجریه می‌باشند و دبیرخانه‌های آنها و مراکز تحقیقات راهبردی مربوطه که دارای مسئولیت تصمیم‌گیری‌های راهبردی، اعم از

هدفگذاری‌های کلان، سیاستگذاری‌های لازم در عرصه‌های مختلف و نظارت و ارزیابی راهبردی می‌باشند، رده مدیریت راهبردی کشور را تشکیل می‌دهند. آغاز مهندسی فرهنگی کشور از مهندسی مجدد این رده و ایجاد تحول و انسجام و هم‌جهت‌سازی آنها و قبله درست و واحد برای آنها ساختن است، خواهد بود.

### رده مدیریت راهبردی کشور (شوراهای عالی) از گذشته تا حال

در رژیم گذشته و در سال‌های پس از انقلاب اسلامی شاهد تشکیل، انحلال، ادغام شوراهای عالی متعدد و مختلف بوده‌ایم. آنچه که در پایان دهه سوم انقلاب اسلامی، موجود می‌باشد در یک نگاه کلی و با رویکرد سیستمی، از یک انسجام و هم‌جهتی مناسب برخوردار نمی‌باشد؛ لذا نمی‌توان انتظار داشت که نظام برنامه‌ریزی و نظام اجرایی و نظام نظارت و ارزیابی کشور نیز از کارآیی و اثربخشی مناسب برخوردار باشد، زیرا عملکرد این نظام‌ها تابعی از عملکرد و اثربخشی نظام هدفگذاری و سیاستگذاری کشور می‌باشد.

صاحب‌نظران و مدیران عالی کشور به خوبی نقص و ضعفی که در این حوزه وجود داشته و دارد را دریافته‌اند، لذا در برنامه‌های توسعه همواره بر رفع این نقص و ضعف به عنوان یک ضرورت تأکید داشته و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (وقت) وظیفه داشته است که مطالعات و بررسی‌های لازم را انجام داده و طرح بهبود و اصلاح وضع موجود را تهیه و به تصویب برساند. ولی از آنجا که این سازمان نیز به نوبه خود از ضعف‌های کارکردی و ساختاری متعدد، حاصل از وضعیت گذشته و حال رنج می‌برده است، توفیق لازم در انجام این مهم را به دست نیاورده است.

حاصل تلاش علمی و کارشناسی این سازمان، گزارش آبان ۱۳۸۲ دفتر بهبود تشکیلات و برنامه‌ریزی نیروی انسانی تحت عنوان طرح ساماندهی شوراها و نظام تصمیم‌گیری دولت می‌باشد. در این گزارش آمده است که بیست و نه شورای عالی تصمیم‌گیری عالی به شرح زیر وجود دارد که به ریاست رئیس‌جمهور یا معاون اول وی به شرح زیر تشکیل می‌شود.

شمای نظام تصمیم‌گیری عالی قوه مجریه، مجموعه شوراهای عالی به ریاست رئیس‌جمهور یا معاون اول رئیس‌جمهور.

## فرابخش

هیأت وزیران

### بخش فرهنگى

۱. شورای عالی انقلاب فرهنگى
۲. شورای عالی جوانان
۳. شورای عالی اطلاع رسانی
۴. شورای پژوهش های علمى و کاربردى
۵. شورای سازمان تربیت بدنى
۶. شورای عالی پشتیبانى سوادآموزى
۷. ستاد هماهنگى آموزش های فنى و حرفه‌ای
۸. کمیسیون فرهنگى هیأت دولت

### بخش اقتصادى

۱. شورای اقتصاد
۲. شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتى
۳. شورای عالی اشتغال
۴. شورای عالی آفریقا
۵. ستاد اقتصادى دولت
۶. ستاد پشتیبانى برنامه تنظیم بازار
۷. کمیته تنظیم بازار ارز
۸. کمیسیون اقتصاد هیأت دولت

### بخش اجتماعى، سیاسى و زیربنایى

۱. شورای عالی ادارى
۲. شورای عالی استاندارد
۳. شورای عالی امنیت ملی
۴. شورای عالی مناطق آزاد تجارى-صنعتى
۵. شورای عالی نظارت بر دفتر خدمات حقوقى بین‌المللى

۶. ستاد مبارزه با مواد مخدر

۷. کمیسیون‌های اجتماعی سیاسی دفاعی زیربنایی هیأت دولت

### بخش انرژی و محیط زیست

۱. شورای عالی انرژی

۲. شورای انرژی اتمی

۳. شورای عالی حفاظت محیط زیست

### بخش کشاورزی

۱. شورای عالی آب

۲. شورای عالی عشایری

قابل ذکر است که شوراهای برشمرده محدود به تصمیم‌گیری‌های قوه مجریه نمی‌شوند بلکه این شوراهای، تصمیم‌گیری‌های فراتر از قوه مجریه داشته و همه دستگاه‌های کشور را در بر می‌گیرند. شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی چنین جایگاهی دارند. لذا در تخصیص و جایگاه بخشی به این شوراهای، برای ترسیم وضعیت موجود، نیاز به دقت بیشتری است. طراحی این شوراهای به عنوان ساختارهای رده عالی تصمیم‌گیری کشور به گونه‌ای صورت گرفته است که علاوه بر اینکه تداخل وظایف با همدیگر دارد، بلکه تداخل وظایف با دستگاه‌های رده‌های بعد خود نیز دارند. یعنی هم تداخل وظایف، طولی است و هم تداخل وظایف، عرضی است. در حالی که کارکرد ساختارها باید به خوبی تعیین و تبیین شود تا بتوان ارزیابی عملکرد صورت داد و هر ساختاری بتواند به صورت کارآ و اثربخش عمل کند. اصولاً تبدیلی اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که برای تأمین کارکردهای مورد نیاز، ساختارها به خوبی طراحی و مهندسی نشده باشند. نمونه‌ای از عدم مهندسی ساختارها، در همین است که تداخل وظایف بین آنها وجود دارد و هر کدام از ساختارها، کارکرد دقیق و مشخصی ندارند؛ در نتیجه هم کارهای موازی انجام می‌شود و هم بخش زیادی از کارها بر زمین می‌ماند. چون امکان ارزیابی عملکرد وجود ندارد، پاسخگویی و مسئولیت‌خواهی هم امکان‌پذیر نیست. در این میان انرژی‌ها و تلاش‌ها بیهوده مصرف می‌شود و در نهایت پدیده تبدیلی اجتماعی که امروز در کشورمان شاهد هستیم، ظهور و بروز پیدا می‌کند. کارهای فراوانی بر زمین می‌ماند در حالی که نیروهای توانمند و پرتلاش و بانگیزه فراوانی هم برای انجام این کارها وجود دارد، ولی بیکارند؟! تداخل وظایف شوراهای رده راهبردی مدیریت کشور با یکدیگر و با دستگاه‌های کشور بدین قرار اعلام شده است.

### تداخل وظایف شوراهای و دستگاهها

به موجب مطالعات و بررسی‌های انجام شده، برخی نهادهای عالی تصمیم‌گیری دارای تداخل وظایف با یکدیگر و با دستگاه‌های تصمیم‌ساز، می‌باشند. تعدد شوراهای تصمیم‌گیری موجب ناهماهنگی در نظام اجرایی کشور گردیده است. این تداخل وظایف در رابطه با شوراهای و دستگاه‌های هر یک از بخش‌های پنجگانه برشمرده شده، اعم از بخش اقتصادی، بخش آب و کشاورزی، بخش فرهنگی، بخش اجتماعی و سیاسی، بخش انرژی و محیط زیست وجود دارد و در گزارش مربوط، به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته است.

اینکه اصولاً منطق بخش‌بندی پنجگانه کدام است، جای بحث و بررسی لازم را دارد و در مهندسی فرهنگی کشور یکی از مقولاتی که باید روشن شود، همین منطق است. زیرا چنین بخش‌بندی، نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی و ساختاردهی کشور را تحت تأثیر خود قرار داده و دولت و مجلس در این چارچوب عمل می‌کنند. تداخل وظایف هر یک از نهادهای تصمیم‌گیر در رده راهبردی مدیریت کشور در بخش فرهنگی با یکدیگر و با سایر دستگاه‌ها بدین قرار می‌باشد.

### تداخل وظایف شوراهای بخش فرهنگ

مطالعات انجام شده نمایانگر آن است که شوراهای فرهنگی تحت نظارت ریاست جمهوری دارای تداخل با یکدیگر و به خصوص با دستگاه‌های اجرایی مسئول می‌باشند. عملکرد و میزان فعالیت اغلب شوراهای مذکور ضعیف و کم‌اثر بوده، ضمن آنکه هزینه قابل توجهی را نیز بطور مستقیم یا غیرمستقیم (هزینه اداره دبیرخانه و جلسات شورا و هزینه اجرای تصمیمات شورا) برای دولت بدنبال داشته‌اند. نتیجه بررسی تداخل و توازی وظایف شوراهای عالی فرهنگی با یکدیگر و با دستگاه‌های اجرایی بدین قرار است.

ردیف	وظایف موازی و متداخل	نهادهای مسئول
۱	تدوین ضوابط نشر کتاب	۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲	سیاستگذاری نظام آموزش (عالی) و پژوهش کشور	۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی ۲- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ۳- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۳	سیاستگذاری و حمایت از فعالیت‌های پژوهشی	۱- شورای پژوهش‌های علمی کشور ۲- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۴	هماهنگی در برنامه‌های پژوهشی کشور	۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (دفتر امور پژوهشی) ۲- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ۳- شورای پژوهش‌های علمی کشور ۴- شورای عالی انقلاب فرهنگی
۵	تعیین سیاست‌های ایرانگردی و جهانگردی	۱. شورای عالی ایرانگردی ۲. سازمان ایرانگردی و جهانگردی ۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی
۶	تهیه خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و حمایت از تحقیقات مربوط به جوانان	۱. شورای عالی جوانان ۲. سازمان ملی جوانان
۷	تعیین سیاست‌های فرهنگی کشور	۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی ۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

همانگونه که ملاحظه می‌شود در انجام وظیفه هماهنگی در برنامه‌های پژوهشی کشور، حداقل چهار مرجع تصمیم‌گیری وجود دارد و شورای عالی انقلاب فرهنگی در انجام هشت وظیفه خود که اکثریت مطلق وظایف مقرر فعلی می‌باشد با سایر نهادهای تصمیم‌گیر و دستگاه‌های کشور تداخل وظایف دارد.

در یکی از بخش‌هایی که بیشترین تداخل وظایف دیده می‌شود، بخش فرهنگ کشور می‌باشد. بخشی که به موجب اهداف مقدس جمهوری اسلامی باید به عنوان بخش محوری لحاظ گردد. در آنجا که بیشترین تداخل وظایف وجود داشته باشد، بیشترین کم‌کاری و تنبلی هم حاصل خواهد بود.

در امور فرهنگى کشور، نزدیک به ۱۵ نهاد تصمیم ساز و تصمیم گیر به شرح زیر وجود دارند که تعامل و انسجام آنها به خوبى روشن نمى باشد و پراکنده کارى و موازى کارى و عدم تلاش و کارآیى و اثربخشى آنها قابل ارزیابى نیست.

### نهادهای تصمیم ساز و تصمیم گیر در امور فرهنگى کشور

ردیف	عنوان شورا، دستگاه	وظایف و فعالیتهای موازى و متداخل
۱	شورای عالی انقلاب فرهنگى	تعیین سیاست های فرهنگى و خط مشى های آموزشى پژوهشى و فرهنگى کشور تعیین شاخص ها و ارزیابى وضعیت فرهنگى آموزشى و تحقیقات کشور برنامه ریزى شناسایى و تربیت استعدادهاى درخشان سیاست گذارى کتب درسى و تدوین ضوابط نشر کتاب و تولیدات فرهنگى و هنرى سیاست گذارى و ساماندهى نظام اطلاع رسانى تصویب اصول سیاست های سیاحتى و زیارتى تصویب ضوابط تأسیس و تصویب اساسنامه مراکز فرهنگى تحقیقاتى و دانشگاهى تصویب ضوابط گزینش مدیران، اساتید، دانشجویان و معلمان مراکز آموزشى و تحقیقاتى
۲	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى	تنظیم سیاست های فرهنگى و هنرى کشور برنامه ریزى و اداره امور سیاحتى و زیارتى تدوین ضوابط نشر کتب و فعالیت های فرهنگى و هنرى
۳	شورای عالی اطلاع رسانى	تدوین و تصویب اصول نظام جامع اطلاع رسانى کشور سیاست گذارى برنامه ریزى حمایت و هدایت اطلاع رسانى کشور همهانگى در تحقیقات بنیادى و توسعه ای بکارگیرى فناوری های نوع اطلاع رسانى

ردیف	عنوان شورا، دستگاه	وظایف و فعالیتهای موازی و متداخل
		تنظیم مقررات بهره‌گیری از شبکه‌های بین‌المللی اطلاع‌رسانی
۴	شورای پژوهش‌های علمی کشور	تدوین سیاست‌های پژوهشی کشور ایجاد هماهنگی در برنامه‌های پژوهشی کشور تأسیس صندوق و حمایت از پژوهشگران و طرحهای پژوهشی
۵	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	سیاست‌گذاری نظام علمی کشور و تدوین سیاست‌های تحقیقات و فناوری کشور برنامه‌ریزی و نظارت و ارزیابی بخش تحقیقات و فناوری کشور حمایت کمی و کیفی از فعالیت‌های پژوهشی کشور
۶	شورای عالی ایرانگردی و جهانگردی	تعیین سیاست‌های ایرانگردی و جهانگردی کشور ایجاد تسهیلات برای توسعه صنعت ایرانگردی و جهانگردی
۷	سازمان ایرانگردی و جهانگردی	تعیین سیاست‌ها و اولویت‌های ایرانگردی و جهانگردی برنامه‌ریزی و هماهنگی فعالیت‌های سیاحتی و زیارتی کشور تهیه آیین‌نامه مقررات توسعه نظارت بر صنعت ایرانگردی و جهانگردی
۸	کمیسیون فرهنگی هیأت دولت	تصمیم‌گیری و تأیید طرح‌های مقررات و برنامه‌های فرهنگی کشور تصمیم‌سازی برای هیأت وزیران در امور فرهنگی
۹	هیأت وزیران	تصمیم‌گیری و تصویب طرح‌ها، برنامه‌ها و مقررات فرهنگی و تصویب اساسنامه مؤسسات



ردیف	عنوان شورا، دستگاه	وظایف و فعالیتهای موازی و متداخل
۱۰	شورای عالی جوانان	پشتیبانی از تحقیقات مربوط به جوانان تهیه برنامه‌های مربوط به جوانان
۱۱	سازمان ملی جوانان	تهیه برنامه جامع ساماندهی امور جوانان ارائه خط‌مشی‌های مناسب برای حل مسائل جوانان
۱۲	شورای سازمان تربیت بدنی	ایجاد هماهنگی در فعالیتهای تربیت بدنی کشور و تعیین خط‌مشی‌های ورزش کشور
۱۳	سازمان تربیت بدنی	توسعه و تعمیم ورزش در کشور نظارت بر فعالیتهای ورزشی بخش دولتی
۱۴	شورای عالی پشتیبانی سوادآموزی	پیش‌بینی و پیگیری برنامه‌ها و بودجه و اعتبارات لازم در جهت توسعه آموزش و سوادآموزی
۱۵	ستاد هماهنگی آموزشهای فنی و حرفه‌ای	هماهنگی سیاست‌گذاری و اجرای آموزشهای فنی و حرفه‌ای

حاصل بررسی کارشناسی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (وقت) در سال ۱۳۸۲ این شد که مجموعه شوراهای عالی کشور در وضع مطلوب بدین شرح باید باشند.

هیأت وزیران، کمیسیون‌های دولت، شورای اقتصاد، شورای عالی اداری، شورای عالی استاندارد، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی آب، شورای عالی مناطق آزاد تجاری، شورای عالی انرژی، شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی اداری در سال ۱۳۸۶ در جلسه ۱۳۳، ۲۸ شورا را ادغام نمود و چهار شورا و کمیسیون به جای آنها تشکیل داد.

۱- شورای عالی مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی با ادغام شورای اقتصاد، شورای عالی اشتغال، شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی، شورای عالی صادرات، شورای عالی هماهنگی صادرات

فنی و مهندسی، شورای عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی، هیأت امنای حساب ذخیره ارزی، شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی، شورای پول و اعتبار، شورای عالی بیمه، شورای الگوی مصرف

۲- شورای عالی آموزش، پژوهش و فن آوری با ادغام شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی فن آوری اطلاعات، شورای عالی اطلاع رسانی، شورای عالی فضایی، شورای عالی انرژی اتمی، شورای عالی امنیت تبادل اطلاعات کشور، شورای عالی آموزش و پرورش، شورای عالی پشتیبانی نهضت سوادآموزی، شورای عالی انفورماتیک، شورای عالی علمی و کاربردی، شورای عالی زیست فناوری، شورای عالی استاندارد

۳- کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست با ادغام شورای عالی آب، شورای عالی انرژی، شورای عالی محیط زیست

۴- کمیسیون میراث فرهنگی و گردشگری و ایرانیان خارج از کشور با ادغام شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری، ستاد رسیدگی به امور ایرانیان خارج از کشور

سرآغاز مهندسی فرهنگی کشور، مهندسی فرهنگی شوراها، عالی تصمیم گیری است و نکات قابل ذکر در ادغام بزرگ شوراها بدین قرار است:

۱- کشور مرکب است از مجموعه‌ای از ساختارها که در سه قوه مجریه و مقننه و قضائیه و دستگاه‌ها و نهادها و نیروهای مسلح زیر نظر رهبری و بخش خصوصی و بخش دولتی و بخش خصوصی یا بخش نیمه دولتی قرار گرفته‌اند. با مهندسی کشور و به خصوص مهندسی فرهنگی کشور باید مجموعه این ساختارها به نحو مناسب و «مطلوب - ممکن» سامان داده شوند.

۲- بررسی‌های کارشناسی دولت و تصمیم اتخاذ شده در ادغام شوراها، «کشور» و «دولت» یکی گرفته شده‌اند. اگر چه بخش عمده و اصلی کشور «دولت» می‌باشد ولی قاعداً «دولت» و «کشور» و ساختارهای هر دو یکی نمی‌باشد. حداقل اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی و حتی شورای عالی اداری، از آن نوع شوراها، عالی هستند که اگر چه رئیس جمهور، ریاست آنها را به عهده دارد ولی این شوراها، عالی محدود به دولت نمی‌باشند و حوزه تصمیم گیری آنها جامع بوده و کل کشور را دربرمی‌گیرد. بنابراین نمی‌توان آنها را در نظام تصمیم گیری عالی قوه مجریه قرار داد. اگر اینگونه باشد به صورت اجتناب‌ناپذیر باید به شوراها، تخصصی عالی‌ترین شورای قوه مجریه، که هیأت وزیران است تبدیل شوند. کما اینکه

ادغام وظایف و اختیارات کمیسیون فرهنگی دولت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، بدین معنا است که شورای عالی انقلاب فرهنگی باید شورای تخصصی هیأت دولت باشد.

۳- تعداد کم یا زیاد ساختارها در رده راهبردی مدیریت کشور، برای اینکه کارکردهای مدیریت راهبردی کشور قابل تأمین باشد، موضوعیت ندارد. بلکه حاکم بودن رویکرد سیستمی بر آنها و نظم و جهت‌گیری و انسجام داشتن آنها به سمت هدف، موضوعیت دارد. رده راهبردی مدیریت کشور باید به صورت یک سیستم و نظام دیده شود و سپس با رویکرد فرهنگی مهندسی شود. بالاترین سطح مهندسی فرهنگی کشور، مهندسی فرهنگی نظام مدیریت راهبردی کشور است.

۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان بالادستی‌ترین سند کشور، تعیین‌کننده چارچوب مهندسی فرهنگی کشور است. وضعیت موجود مهندسی ساختارهای مربوط به رده مدیریت راهبردی کشور براساس چارچوب مذکور در قانون اساسی، دارای اشکالات و ابهامات زیادی است که باید برطرف شود (ناظمی، ۱۳۸۳). این موضوع به بحث و بررسی و تفصیل بیشتری نیاز دارد و در جای خود بدان پرداخته شده است.

۵- برای مهندسی مجدد ساختارها و نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در رده مدیریت راهبردی کشور اعم از شوراهای عالی و کمیسیون‌ها و... به خصوص با رویکرد فرهنگی در راستای مهندسی فرهنگی کشور، لازم است مشخص گردد که ساختار محوری یا محور مهندسی این مجموعه ساختارها کدام است؟

۶- اولین قدم برای طراحی و مهندسی یک سیستم پس از آنکه فلسفه وجودی و هدف اصلی و کارکردهای آن مشخص شدند، این است که تعیین شود برای تأمین این هدف و کارکردها از میان مجموعه زیرسیستم‌های این سیستم، کدام زیرسیستم باید زیرسیستم محوری<sup>۱</sup> باشد. زیرسیستم محوری، زیرسیستمی است که با بازخورد، نسبت به سایر زیرسیستم‌ها، نشان می‌دهد که آن زیرسیستم‌ها دارای کارکرد مثبت بوده یا خیر و در جهت اهداف کلان سیستم عمل می‌کنند یا خیر؟ در ادغام شوراها، مشخص نمی‌باشد که زیرسیستم یا شورای محوری کدام است؟ در کشورهایی که مهندسی و مدیریت اقتصادی بر آنها حاکم است زیرسیستم محوری، زیرسیستم اقتصادی و شورای عالی اقتصاد است. آیا در ادغام شوراها نیز چنین اتفاقی افتاده

است؟

۷- سؤال اساسی این است که در مهندسی فرهنگی کشور و مهندسی نهادها و ساختارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری رده‌مدیریت راهبردی کشور، از میان شوراهای عالی موجود، کدام باید به عنوان زیرسیستم یا ساختار محوری برای مهندسی این مجموعه منظور نظر قرار گیرد؟ آیا پاسخی به جز این وجود دارد که «شورای عالی انقلاب فرهنگی» باید ساختار محوری برای مهندسی ساختارهای این رده باشد؟ این ساختار محوری، در کشوری چون آمریکا، ممکن است «شورای روابط خارجی» بوده و این ساختار ظرف حضور کانون‌ها و قطب‌های ثروت و قدرت باشد. آنها مهندسی و مدیریت اقتصادی، سیاسی را بر کشور خود حاکم ساخته‌اند لذا همه ساختارهای رده‌مدیریت راهبردی خود را بر محور این ساختار سامان داده‌اند

۸- کارکردهای اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان ساختار محوری در مهندسی فرهنگی ساختارهای رده‌مدیریت راهبردی کشور بدین قرار می‌باشد:

۸/۱- تعیین اهداف فرهنگی کشور براساس شناخت و تعیین متغیرهای استراتژیک فرهنگی کشور و رصد فرهنگی کشور و منطقه و جهان و تعیین سهم تأثیر هر یک از نظام‌ها و دستگاه‌های کلان کشور (تعیین اهداف پیشرو)

۸/۲- تعیین سیاست‌های کلی برای تحقق این اهداف بر اساس شناخت و آسیب‌شناسی وضعیت موجود حاصله از مطالعات رصد فرهنگی و آینده‌نگری و آینده‌نگاری (سیاست‌های پیشرو)

۸/۳- ارزیابی چگونگی تحقق اهداف (ارزیابی بازده) و ارائه بازخورد در رابطه با مهندسی مجدد شوراهای تصمیم‌گیری رده‌عالی کشور که منجر به ایجاد چهار شورا گردیده است سؤالات ذیل‌الذکر وجود دارد:

۱- آیا مهندسی شوراهای تصمیم‌گیری به معنای نوسازی، بازسازی و انسجام‌بخشی به آنها با رویکرد فرهنگی صورت گرفته است؟ به عبارت دیگر آیا این شوراها مهندسی فرهنگی شده‌اند؟

۲- چه نوع رویکردی بر مهندسی مجدد این شوراها حاکم بوده است؟

۳- آیا شوراهای چهارگانه جدید از انسجام و جهت‌گیری لازم برخوردارند؟ شورای محوری در میان این چهار شورا کدام است؟

۴- و به خصوص اینکه جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با این شوراها کدام است؟

مقام معظم رهبری درباره جایگاه این شورا می‌فرماید:

«اینجا را در واقع باید اتاق فرمان فرهنگی کشور یا ستاد عالی فرهنگی و علمی دستگاه‌های کشور - اعم از دستگاه‌های فرهنگی و سایر دستگاه‌ها- و مرکز مهندسی فرهنگی کشور به حساب آورد.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۹/۲۶)

این اتاق فرمان، وظیفه دارد با مهندسی فرهنگی کشور، نظم و جهت‌گیری و جهت‌یابی و انسجام در بخش‌های گوناگون دولتی و غیردولتی درباب فرهنگ، ایجاد نماید. این مقصود در هیچ شورا و هیچ مرکز و هیچ جای دیگر تأمین نمی‌شود. بنابراین باید شوراهای رده‌عالی تصمیم‌گیری کشور را به گونه‌ای مهندسی کرد که

۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان شورای محوری باشد.

۲- عقبه علمی، کارشناسی شوراهای، دارای ارتباط و انسجام بوده و رویکردی هماهنگ داشته باشند.

۳- ارتباط شوراهای تصمیم‌گیری به صورت حلقه‌های متداخل باشد تا امکان تصمیم‌گیری‌های تخصصی در هر یک از شوراها و در عین حال هماهنگی با تصمیم‌گیری در شوراهای دیگر فراهم شود.

در این صورت است که مهندسی فرهنگی کشور در رده‌راهبردی صورت می‌پذیرد. مدل پیشنهادی بدین قرار می‌باشد:



شورای عالی اداری و شورای عالی استاندارد در شورای عالی انقلاب فرهنگی به موجب مأموریت مهندسی فرهنگی کشور که تحول و نوسازی، بازسازی و نظم‌دهی و انسجام‌بخشی و جهت‌دهی به همه دستگاه‌های کشور اعم از دستگاه‌های قوه مجریه و نهادهای انقلاب اسلامی و قوه قضائیه و... می‌باشد و همچنین تدوین و تصویب نظام شاخص‌ها را بر اساس نظام مفاهیم در همه حوزه های زندگی با مهندسی فرهنگ بر عهده دارد، قابل ادغام می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که با تحول در شورای عالی انقلاب فرهنگی و دیگر شوراهای عالی، تصمیم‌گیری کشور بر محور این شورای عالی، مهندسی فرهنگی کشور و مهندسی فرهنگ کشور صورت پذیرفته و اهداف و آرمان‌های انقلاب فرهنگی اسلامی و چشم انداز بیست ساله کشور محقق گردد (ناظمی، ۱۳۸۵: ۷۹).

### نتیجه

نخستین گام و مؤثرترین اقدام در مهندسی فرهنگی کشور، مهندسی فرهنگی ساختارهای موجود در رده تصمیم‌گیری راهبردی کشور است. اقدام انجام شده در خصوص ادغام شوراهای عالی به اصلاح و تکمیل نیازمند خواهد بود. برای مهندسی و ساماندهی و تحول و انسجام‌بخشی و جهت‌دهی شوراهای عالی در کشور که عهده‌دار تعیین اهداف راهبردی و سیاست‌ها و راهبردهای اصلی می‌باشند، لازم است مبانی و اصول و رویکردی سازگار با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، منظور شود. بدیهی است آنچه طراحی می‌شود با وضعیت متعارف، متفاوت بوده و چه بسا مقاومت‌هایی هم در پی خواهد داشت.

شورای عالی انقلاب فرهنگی جایگاهی است که باید رسالت شورای انقلاب را بر دوش کشد. این شورا در جایگاه مدیریت راهبردی فرهنگی کشور که بر عهده ولی فقیه زمان است و با هدایت ایشان، عهده‌دار ایجاد تحول و پویایی در نظام‌ها و ساختارها و سازمان‌های موجود که بر اساس فرهنگ‌های دیگری که سازگار با فرهنگ انقلاب اسلامی نیستند، مهندسی شده‌اند و تقلیدی، وارداتی و کهنه هستند، می‌باشد. چنین شورایی که باید مرکب از خبرگان مأنوس با رویکرد اسلامی و انقلابی بنیانگذار و رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام (ره) باشند، می‌تواند محور مهندسی شوراهای عالی و جایگاه‌های تصمیم‌گیری راهبردی در کشور باشد.

## منابع

- (۱۳۸۱)، **در محضر ولایت، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضاء شورای عالی انقلاب فرهنگی**، تهران: روناس. ۱۳۸۱/۹/۲۶.
- (۱۳۸۴)، **در محضر ولایت، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضاء شورای عالی انقلاب فرهنگی**، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۴/۱۰/۱۳.
- (۱۳۸۵)، **منشور نظریه دولت اسلامی**، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ستاد فرهنگی فجر انقلاب اسلامی، قم: انتشارات تسنیم اندیشه.
- (۱۳۸۶)، **دولت عدالت محور**، رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۸۵/۶/۶، روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، **دانشنامه سیاسی**، تهران: انتشارات سهروردی و مروارید.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۵)، **ایرانیان و اندیشه تجدد**، تهران: نشر فروزان.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۸۲)، **نظام تصمیم گیری کشور**، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، دفتر بهبود و تشکیلات و برنامه ریزی.
- سیاح، سید یاسر، **روزنامه ایران**، ۱۳۸۶/۵/۲۳
- ناظمی، مهدی (۱۳۷۷)، **بررسی الگوی توسعه نهادهای انقلاب اسلامی**، پایان نامه دوره دکتری.
- ناظمی، مهدی (۱۳۸۵)، **تحلیلی بر دیدگاههای مقام معظم رهبری در مهندسی فرهنگی کشور**، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ناظمی، مهدی (۱۳۸۶)، **مبانی و چگونگی ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور**، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (چاپ داخلی).
- ناظمی، مهدی (۱۳۸۲)، **درآمدی بر مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور**، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (چاپ داخلی).
- هیوز، آون (۱۳۸۱)، **مدیریت دولتی نوین**، ترجمه سید مهدی الوانی، سهراب خلیلی شورینی، غلامرضا معمارزاده، تهران: انتشارات مروارید.